

# تعیین میزان سواد خوانداری فارسی دانش آموزان دو زبانه و ارائه راهکار مناسب برای بهبود این توانایی در دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان مهاباد

دکتر عبدالله طلوعی آذر

دانشیار دانشگاه ارومیه

a.toloeiazar@urmia.ac.ir

یاسین محمودزاده

دانشجوی دکتری دانشگاه ارومیه

ymahmoodzadeh1@gmail.com

## چکیده

بررسی تعیین میزان سواد خوانداری فارسی دانش آموزان دوزبانه و ارائه راهکار مناسب برای بهبود این توانایی در دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان مهاباد است. روش تحقیق در پژوهش حاضر علمی - مقایسه‌ای است. جامعه‌ی آماری در این پژوهش معلمان ابتدایی شهرستان مهاباد تشکیل می‌دهد. با توجه به اینکه در این تحقیق معلمانی باید انتخاب می‌شدند که هم دانش آموزان دو زبانه و تک زبانه داشته باشند، لذا سعی گردید از بین معلمان که دانش آموزان دو زبانه داشته‌اند ۱۵ نفر و معلمانی که بیشتر با دانش آموزان تک زبانه کار کرده‌اند ۱۵ نفر انتخاب گردد. برای جمع‌آوری اطلاعات از نمونه‌ی آماری و به منظور آزمون فرضیه‌های تنظیم شده‌ی این تحقیق، از پرسشنامه‌ی محقق ساخته که با توجه به متغیرهای تحقیق و عملیاتی نمودن آنها تنظیم شده، استفاده گردیده است. نتیجه نهایی اینکه، پیشرفت دانش آموزان تک‌زبانه به لحاظ پیشرفت تحصیلی، درک سواد آموزی، درک شنیداری، ساخت واژه‌ها و درک نحو در گفتار از دانش آموزان دوزبانه بیشتر است.

کلید واژه: سواد خوانداری، دانش آموزان دو زبانه، دانش آموزان تک زبانه.

## مقدمه

مشکلات سواد آموزی دانش آموزان دو زبانه، معلول عوامل مختلفی از جمله: مسائل زبانی، روانشناختی، جامعه شناختی، فرهنگی، اقتصادی، ضعف مدیریت نیروی انسانی در مراکز مسئول آموزش و پرورش یک جامعه و گاهی اوقات عوامل سیاسی می‌باشد؛ البته همه عوامل مذکور، به میزانی کمتر از دانش آموزان دوزبانه، سوادآموزی دانش آموزان تک زبانه را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد.

چرا بعضی از دانش آموزان مقطع اول ابتدایی در بخش‌هایی از ایران، در اولین روزهای شروع سال تحصیلی، رغبت و انگیزه حضور در مدرسه و یادگیری را از دست می‌دهند؛ همان دانش‌آموزانی که روزهای آخر شهریور برای ورود به مدرسه و یادگیری علم و تجربه یک محیط جدید روز شماری می‌کردند، دیگر شوق و ذوق خاص کودکانه برای رفتن به مدرسه را ندارند و فقط به اجبار و به خواست پدر و مادرانشان به مدرسه می‌روند! چرا؟ آیا مشکل از ضعف سیستم آموزش ماست؟ آیا محیط مدرسه شباهتی هرچند اندک به خانه و جامعه‌ای که کودک در آن زندگی می‌کند، دارد و می‌توان آن را خانه دومی برای کودک در نظر گرفت و یا محیطی است کاملاً بیگانه با آنچه که کودک تا آن سن به دست آورده است؟ چرا هر روز بر تعداد دانش آموزان ابتدائی ترک تحصیل کننده در مناطق غیر فارسی زبان، افزوده می‌شود؟ آیا پدر و مادر و مربیان پیش دبستانی‌ها از لحاظ روحی و روانی کودک را برای رویارویی با محیطی جدید، آماده می‌کنند؟

آیا تالیف کتب درسی دانش آموزان مقطع ابتدایی با کار کارشناسی و با در نظر گرفتن تمام کودکان، اعم از شهری و روستایی به ویژه کودکان روستایی مناطق محروم و دور از مراکز استان‌ها و دور افتاده این مرز و بوم و کودکان غیر فارسی

زبان، انجام شده است؟ آیا بهتر نیست بخش‌هایی از کتب درسی ابتدایی ما بومی‌سازی شده و رنگ بومی داشته باشد تا کودک خود را با کتاب بیگانه نبیند و مطالب کتاب‌ها برای وی محسوس و ملموس شود (ضیاء حسینی، ۱۳۸۸)

علاوه بر موارد ذکر شده، دانش آموزان مناطق دو زبانه کشورمان مشکل مضاعف دیگری دارند که به مراتب سخت‌تر و بزرگ‌تر از مشکلات فوق‌الذکر می‌باشد و آن مشکل، زبان است؛ معمولاً زبان وسیله اصلی ارتباط، تفهیم و تفاهم و شفاف‌سازی است؛ ولی برای کودکان دو زبانه، حالت عکس داشته و مانع و سد راه ارتباط و تفهیم و تفاهم می‌گردد. کودکان در مناطق غیر فارسی زبان مجبورند با زبانی، سوادآموزی کنند که کاملاً با آن بیگانه هستند و یا آشنایی خیلی کم با آن دارند. مشکل اصلی و عمده این دانش آموزان سوادآموزی نیست و در درک ریاضی، علوم و... مشکل ندارند؛ مشکل آنها، این است که آن‌ها زبان معلم را نمی‌دانند و یا نمی‌توانند درک کنند. زبان برای دانش آموزان فارسی زبان وسیله‌ای آشنا، در دسترس و با استفاده خیلی ساده و بدون تلاش آگاهانه برای یادگیری علم و سوادآموزی می‌باشد؛ ولی برای دانش آموزان غیر فارسی زبان، عکس موارد مذکور صادق است؛ این وسیله برای دانش آموز غیرفارسی زبان، وسیله ای نا آشنا، با استفاده سخت و با تلاش آگاهانه می‌باشد؛ تمام و یا بیشتر وقت و انرژی آن‌ها صرف درک زبان و زبان آموزی می‌شود و برای یادگیری علم و سوادآموزی نه وقت، نه انرژی و نه انگیزه لازم باقی می‌ماند.

### بیان مسأله

آموزش خواندن و نوشتن پایه به کودکانی که زبان محلی آنان با زبان منتخب در نظام آموزش رسمی کشور متفاوت است در اغلب نقاط جهان مشکل عمده‌ای به شمار می‌رود. در کشور ما نیز این مشکل فعالیت‌های آموزشی دوره‌ی ابتدایی را تا اندازه‌ای به‌کندی کشانده و در مواردی نیز با دشواری‌هایی روبه‌رو ساخته است. افت تحصیلی شدید در مناطق دوزبانه و ورود کودکان ترک تحصیل‌کرده‌ی این مناطق به جرگه‌ی بی‌سوادان دور باطل کاهش و افزایش تعداد بی‌سوادان کشور را باعث شده است. از این لحاظ متأسفانه تعداد کثیری از افرادی که در مناطق دوزبانه زندگی می‌کنند نه تنها از نعمت خواندن و نوشتن محروم‌اند بلکه قادر نیستند از زبان فارسی به‌عنوان "زبان میانجی" جهت ارتباط گفتاری و شنیداری با دیگر هم‌وطنان خود استفاده کنند. از آنجاکه زبان رسمی کشور ما فارسی است و این زبان وسیله‌ی ارتباطی مشترک بین همه‌ی افراد کشور اعم از فارس و عرب و کرد و ترک و گیلک و... می‌باشد لازم است برنامه‌های آموزشی به‌ویژه برنامه آموزشی ابتدایی کشور طوری طراحی و تنظیم شود که هر کودک ایرانی با زبان رسمی کشور یعنی زبان فارسی آشنا شود چراکه وقتی اعضای چندجمله‌ی زبانی در قلمرو یک کشور با مرزهای سیاسی واحد زندگی می‌کنند برای رفع نیازهای ارتباطی عمومی خود باید یکی از زبان‌های موجود را به‌عنوان زبان میانجی یا زبان مشترک انتخاب نمایند. از دیدگاه جامعه‌شناسی زبان به‌طور طبیعی و ناخودآگاه سخنگویان گویش‌های مختلف به‌طور غیر عمد به این حقیقت گرایش می‌یابند که یکی از زبان‌های موجود کشور را که وسعت کاربردی بیشتری دارد به‌عنوان زبان مشترک یا زبان ملی انتخاب کرده در ارتباط با افراد جوامع زبانی دیگر به‌کارگیرند. رسانه‌های گروهی و مطبوعات و کتاب‌ها و دستگاه‌های دولتی مثل آموزش و پرورش این امر را تسهیل می‌کنند و از این جهت هر شخص با مجبور شدن به یک‌زبان دوم خواهد توانست با دیگر هم‌وطنان خود ارتباط برقرار کند. بنابراین روشن است که آموزش و پرورش ابتدایی در مناطق دوزبانه تفاوت‌های عمده‌ای با آموزش کودکان فارسی‌زبان دارد و این کودکان هنگام ورود به مراکز پیش‌دبستانی شرایط کاملاً متفاوتی با کودکان فارسی‌زبان دارند. به این دلیل کانون اصلی فعالیت‌های آموزش پیش‌دبستانی در مناطق غیرفارسی‌زبان باید بر "برنامه‌ی زبان‌آموزی" تمرکز داشته باشد. در این برنامه لازم است تکیه‌ی شدیدی بر آموزش مهارت‌های شفاهی زبان فارسی یعنی گفتن و شنیدن (مکالمه) انجام گیرد چراکه در مورد کودکان مناطق دوزبانه نه تنها مسئله‌ی آمادگی مهارت‌های خواندن و نوشتن مطرح است بلکه مهم‌تر از آن مسئله‌ای با عنوان "آموزش زبان دوم" مطرح می‌باشد.

ضیاء حسینی دو زبانی را چنین تعریف می‌کند: «در ساده‌ترین تعریف، فرد دوزبانه فردی است که می‌تواند با دو زبان ارتباط ایجاد کند و این پدیده را دو زبانی می‌نامیم. این توانایی می‌تواند در یکی از قلمروهای زبان (مهارت‌های زبان) و یا تسلط کامل به هر دو زبان باشد که در این صورت دو زبانه هم‌تراز نامیده می‌شود» (ضیاء حسینی، ۱۳۸۸: ۲۲)

با این تفاسیل اگر مریبان مراکز پیش‌دبستانی این مناطق راه و روش مدونی مبتنی بر "حقایق زبانی" و "اصول یادگیری و تدریس زبان دوم" در پیش گیرند مسلماً ضریب موفقیت برنامه‌های مقطع ابتدایی در مناطق غیرفارسی‌زبان افزایش خواهد یافت و از افت تحصیلی شدید فعلی در مناطق مذکور در مقطع ابتدایی به نحو چشمگیری کاسته خواهد شد. سؤال اصلی

تحقیق این است که آیا دانش آموزان دوزبانه مقطع ابتدائی شهرستان مهاباد مشکل سوادآموزی دارند و میزان سواد خوانداری فارسی دانش آموزان دوزبانه نسبت به دانش آموزان تک‌زبانه چگونه است؟

عراقی و حاتمی (۱۳۹۲) در تحقیقی به بررسی مشکلات سوادآموزی دانش آموزان دو زبانه در مقطع ابتدائی پرداختند. به نظر آنها بی‌توجهی به این مهم، باعث ناتوانی در سوادآموزی، افت و ترک تحصیلی دانش آموزان می‌شود. هزار نفر از دانش آموزان مقطع ابتدائی دخترانه و پسرانه شهر باسمنج به عنوان نمونه آماری این تحقیق انتخاب و پرسش‌نامه‌های آماده شده با توجه به هدف و فرضیه‌های تحقیق با محتوای چگونگی درک سخنان معلم و ایجاد ارتباط متقابل، بین دانش‌آموزان مزبور و معلمان آنها توزیع شد. نتایج نشان داد: مشکل اصلی دانش آموزان، عدم درک معنا و ایجاد ارتباط آنها با معلم است که ناشی از عدم آشنایی دانش‌آموزان با هسته معنایی زبان فارسی و عدم تسلط به آن می‌باشد.

اصل فتاحی (۱۳۷۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی و مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر یک‌زبانه و دوزبانه در دروس فارسی و املاء» دو گروه دانش‌آموز پسر دوزبانه و یک‌زبانه را در پایه‌های اول، سوم و پنجم ابتدایی از شهرهای تهران و تبریز به طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب کرد و برای هم‌تا کردن این دو گروه یکی از متغیرهای مداخله‌گر از قبیل هوش را کنترل کرد. او برای سنجش میزان پیشرفت تحصیلی در دروس املاء و فارسی از دو گروه نمونه آزمونی به عمل آورده است و با استفاده از آزمون آماری T و آزمون تحلیل واریانس عاملی فرضیات را مورد تجزیه و تحلیل قرارداد. نتایج یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین میانگین نمره دانش آموزان یک‌زبانه و دوزبانه اختلاف معنی‌داری وجود دارد و بیشترین اختلاف در درس املاء در پایه سوم و دو درس املاء در پایه‌های اول ابتدایی است.

مهرجو و هادیان (۱۳۷۴) در تحقیقی برای شورای تحقیقات استان خوزستان با عنوان «پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوزبانه و یک‌زبانه پسر سال سوم ابتدایی در شهرستان اهواز» را مورد بررسی قرار دادند و ضریب همبستگی بین نمرات ادبیات فارسی با سایر دروس آنان را محاسبه کردند. آنها از دو گروه یک‌زبانه و دوزبانه در درس ادبیات فارسی آزمودنی به عمل آوردند. یافته‌های این پژوهش حکایت از آن دارد که پیشرفت تحصیلی دانش آموزان یک‌زبانه از دانش آموزان دوزبانه بیشتر است و تفاوت در نمره آزمون دو گروه مذکور نیز از ناتوانی دانش آموزان دوزبانه در درس ادبیات فارسی ناشی می‌شود. تفاوت دو میانگین‌های دو گروه نمونه در شهر با دانش آموزان حاشیه شهر و روستا نیز زیاد است بنابراین دانش آموزان ساکن روستا نسبت به دانش آموزان شهر مشکلات بیشتری دارند.

خوش‌رو (۱۳۷۵) در پایان‌نامه خود برای شناسایی تأثیر دوزبانه بودن بر پیشرفت تحصیلی دوره ابتدایی دو گروه نمونه یک‌زبانه و دوزبانه را به روش خوشه‌ای به‌طور تصادفی انتخاب کرد و جهت دستیابی به سؤال پژوهش خود مبنی بر این که «آیا پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوزبانه از دانش آموزان یک‌زبانه کم‌تر است؟» از روی نمره‌ای که از طریق آزمون هوش ریون به دست آمده و نیز از طریق نمرات امتحانات پایان سال به‌عنوان معیاری برای پیشرفت تحصیلی و تجزیه و تحلیل آماری داده است. نتایجی که از این تحقیق به دست آمده است که پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوزبانه در درس املاء فارسی و علوم از دانش آموزان یک‌زبانه کم‌تر است زیرا میانگین نمرات آنها از یک‌زبان‌ها کم‌تر می‌باشد ولی پیشرفت تحصیلی در درس ریاضی بین دو گروه فوق تفاوت معنی‌داری را نشان نمی‌دهد.

هوسپیان (۱۳۷۸) در پژوهش با عنوان «مقایسه توانایی معنی‌شناختی دانش آموزان یک‌زبانه و دوزبانه پایه‌های دوم و پنجم ابتدایی شهر تهران» به این نتیجه رسیده است که کودکان دوزبانه ارمنی - فارسی به لحاظ توانایی‌های معنی‌شناختی در زبان فارسی و عملکردهای تحصیلی، نسبت به کودکان یک‌زبانه فارسی در سطح پایین هستند. پژوهشگر علت این امر را طریق دوزبانه شدن کودکان ارمنی می‌داند.

کمالی (۱۳۷۷) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود پژوهشی با عنوان «پیامدهای آموزش دوزبانگی در دانش آموزان پایه دوم دبستان‌های تهران و زنجان» انجام داده است. این پژوهش بر روی چهار گروه آزمودنی دوزبانه از شهرها و روستاهای تهران و زنجان و یک گروه تک‌زبانه «شاهد» از شهر تهران که به‌طور تصادفی انتخاب شده‌اند صورت گرفته است. نتایجی که به دست آورده است دوزبانگی در عملکرد آموزشی کودک عامل تعیین‌کننده‌ای محسوب نمی‌شود، زیرا عوامل زبانی و غیرزبانی درجات مختلفی از دوزبانگی را در جهت همپایگی و ناهمپایگی نسبی کودک پدید می‌آورد. عوامل اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، مانند برخورداری کودک از رسانه‌های گروهی، گذراندن دوره‌های پیش‌دبستانی، دستیابی کودک به‌عنوان سخنوران فارسی زبان و به‌کارگیری زبان فارسی در جامعه، عوامل تعیین‌کننده‌ای در رشد توانایی‌های شناختی و عملکردهای

تحصیلی کودکان دوزبانه به شمار می‌روند. برعکس گذراندن دوره‌های پیش‌دبستانی و فقر درون داده‌های زبانی کودک در دوزبانی ترکی و فارسی، عدم به‌کارگیری فارسی در جامعه و عدم دستیابی به سخنوران زبان فارسی، برخوردهای زبانی والدین با کودک به زبان ترکی، کمبود کتاب، مجله، رسانه‌های گروهی، همه و همه از عوامل منفی هستند که دو زبان بودن کودک را دچار اختلال می‌کنند و افت تحصیلی او را سبب می‌شوند.

شیواری (۱۳۷۸) پژوهشی تحت عنوان «بررسی تأثیر دوزبانگی بر سازگاری عاطفی و اجتماعی کودکان دوزبانه» انجام داد. او برای پاسخگویی به فرضیه‌های تحقیق و رسیدن به اهداف تحقیق از جامعه آماری پسران یک‌زبانه و دوزبانه شهرستان میانه ۱۰۰ نفر آزمودنی برحسب تصادف انتخاب کرد. آزمودنی‌ها از مقطع اول ابتدائی بوده‌اند روش پژوهش علی - مقایسه‌ای در مجمع نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که دانش آموزان پسر دوزبانه نسبت به دانش آموزان پسر یک‌زبانه برای رفتارهای سازگارانه و استقلال اجتماعی از کفایت‌ها و مهارت‌های لازم و کافی برخوردار نیستند.

در تحقیق تجربی انجام‌گرفته توسط احمد پور (۱۳۷۲) وجود تفاوت معنادار بین دو گروه آزمایشی (دوزبانه) و گواه (تک‌زبانه) از لحاظ میزان مشارکت در فعالیت‌های گروهی، برقراری ارتباط با دیگران، قبول پذیرش مسئولیت، همکاری با دیگران و دوست‌یابی مورد تأیید قرار گرفته است.

تعدادی زیادی از مطالعات که در بین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۶۰ در کشورهای غربی خصوصاً ایالت متحده صورت گرفته گزارش می‌دهند که کودکان دوزبانه در آزمون هوش، در قسمت بیانی این آزمون که برای ارزیابی سطح هوش طراحی شده است امتیاز کمی کسب می‌کنند و بیشتر از کودکان تک‌زبانه درگیر مسائل عاطفی و دچار عقب‌ماندگی درسی هستند (داری، ۱۹۵۳، پیل و لمبرت، ۱۹۶۷) تحقیقاتی که رابطه‌ی مثبت بین دوزبانگی و عملکرد تحصیلی و شناخت نشان می‌دهند.

(کامینز، ۱۹۷۸ باریک و سوین، ۱۹۷۶) رابطه مثبت بین دوزبانگی و قابلیت انطباق شناختی و قابلیت‌های فکری خلاق را در آثاری از محققانی همچون اسکات (۱۹۷۳) و کامنیز و گولستان (۱۹۷۴) می‌توان یافت و در بعضی از تحقیقات این نتیجه‌گیری انجام شد که کودکان دوزبانه از نظر رشد و نمو به‌طور کلی بهتر از کودکان تک‌زبانه عمل می‌کنند (پیل و لمبرت، ۱۹۶۷) و همچنین گزارش‌هایی که رسیده بیانگر این موضوع است که کودکان دوزبانه بهتر از کودکان تک‌زبانه قادر به تجزیه و تحلیل معانی زبان شناختی هستند و به نسبت کودکان تک‌زبانه به جنبه‌های ارتباطی شخصی خود حساس‌ترند و یا به قول (ولگوکی، ۱۹۶۲) قابلیت بیان یک اندیشه به زبان‌های مختلف به کودک دوزبانه قابلیت فراتر از یک کودک تک‌زبانه می‌دهد و اضافه می‌کند. ملاحظه کردن زبان به‌عنوان یک سیستم خاص در میان سیستم‌های دیگر و نظاره کردن این پدیده در بین مقوله‌های تعمیم‌دانه دیگر رهنمودی است. برای کارکرد آگاهانه‌ی زبان شناختی کودک «دوزبانه» (به نقل از ویگوتسکی، ۱۹۶۲، ص ۱۱۰).

## چهارمین همایش ملی آموزش زبان فارسی - ۱۳۹۹

www.anjomanfarsi.ir

### روش تحقیق و جامعه آماری

روش تحقیق در پژوهش حاضر علی - مقایسه‌ای است. جامعه‌ی آماری در این پژوهش معلمان ابتدایی شهرستان مهاباد تشکیل می‌دهد. با توجه به اینکه در این تحقیق معلمانی باید انتخاب می‌شدند که هم دانش آموزان دو زبانه و تک زبانه داشته باشند، لذا سعی گردید از بین معلمان که دانش آموزان دو زبانه داشته‌اند ۱۵ نفر و معلمانی که بیشتر با دانش آموزان تک زبانه کار کرده‌اند ۱۵ نفر انتخاب گردد. برای جمع‌آوری اطلاعات از نمونه‌ی آماری و به منظور آزمون فرضیه‌های تنظیم شده‌ی این تحقیق، از پرسشنامه‌ایی که با توجه به متغیرهای تحقیق و عملیاتی نمودن آنها تنظیم شده، استفاده گردیده است. پرسشنامه تحقیق، متشکل از دو دسته سؤال است:

دسته اول که با حروف الفبا کدگذاری شده است، به منظور تعیین و مشخص شدن مشخصات نمونه‌ی آماری از لحاظ سن، سطح تحصیلات، و سابقه خدمت و دسته دوم به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق حاضر تنظیم گردیده است. ابزار سنجش این پژوهش پرسشنامه ۳۷ سؤالی پژوهشگر ساخته است

در این تحقیق برای تعیین روایی ابزار جمع‌آوری اطلاعات از روایی نمادی یا صوری استفاده گردید. بدین ترتیب که پرسشنامه‌ی اولیه تنظیم شده در اختیار اساتید و صاحبان‌نظران دانشگاهی رشته‌ی مدیریت قرار گرفت تا در رابطه با اینکه سوالات مطرح شده، آنچه را که مد نظر است، اندازه‌گیری می‌کند یا خیر؟ اظهارنظر نمایند. سپس نظرات اساتید در پرسشنامه لحاظ و تغییرات لازم در سوالات به وجود آمد.



برای آزمون پایایی پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. براساس این روش با یک مطالعه‌ی مقدماتی بر روی ۳۰ نفر از افراد جامعه‌ی مورد بررسی و با استفاده از نرم افزار آماری SPSS میزان پایایی سوالات به شرح جدول ۳-۵ محاسبه گردید.

جدول شماره ۳-۱: آلفای کرونباخ

مقدار آلفای محاسبه شده	تعداد سوالات پشتیبانی کننده	مولفه‌ها
۰/۸۷۵	۶	پیشرفت تحصیلی
۰/۹۱۲	۸	درک شنیداری
۰/۹۴۶	۱۰	ساخت واژه
۰/۸۶۲	۶	نحو در گفتار
۰/۹۶۴	۷	سواد آموزی

مقدار این آماره‌ها نشان می‌دهد که اولاً سوالات پرسشنامه، همبستگی بالایی با یکدیگر دارند و ثانیاً پرسشنامه‌ی تحقیق، از پایایی بالایی برخوردار می‌باشد.

### آزمون فرضیه‌ها

#### آزمون فرضیه ۱

دانش آموزان دوزبانه پیشرفت تحصیلی کمتری دارند

با توجه به میانگین به دست آمده در جدول ۱، می‌توان نتیجه گرفت که بین میانگین نمرات دانش آموزان دوزبانه با دانش آموزان دوزبانه در زمینه پیشرفت تحصیلی تفاوت وجود دارد. در نتایج حاصل از آزمون لون، احتمال به دست آمده (sig = ۰/۰۶۳)، از مقدار ۰/۰۵ بیشتر است لذا سطر اول جدول ۲ برای تجزیه و تحلیل لحاظ می‌گردد. مقدار احتمال حاصل در ستون sig. (2-tailed) برابر صفر بوده و از مقدار احتمال ۰/۰۵ کمتر است، می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت به دست آمده از نمرات میانگین معنی‌دار است. تفاوت نمرات حاصل از آزمون دوزبانه (Mean = ۱/۷۰۲۶, SD = ۰/۳۴۲۶) و دانش آموزان یک زبانه (Mean = ۲/۵۸۹۷, SD = ۰/۲۲۸۳) از نظر پیشرفت تحصیلی معنی‌دار است (df = ۲۸, t = -۸/۳۴۶, p = ۰). مقدار تفاوت بین میانگین‌ها نیز بزرگ است (تفاوت میانگین‌ها) = -۰/۸۸۷۱. نتیجه نهایی اینکه، پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تک‌زبانه، از دانش آموزان دوزبانه بیشتر است.

جدول ۱: بررسی میانگین نمرات دانش آموزان در زمینه پیشرفت تحصیلی

متغیر	عامل مورد بررسی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف معیار
پیشرفت	دانش آموزان دوزبانه	۱۵	۱/۷۰۲۶	۰/۳۴۲۶	۰/۰۸۸۴
تحصیلی	دانش آموزان یک زبانه	۱۵	۲/۵۸۹۷	۰/۲۲۸۳	۰/۰۵۸۹

جدول ۲: آزمون لون در زمینه پیشرفت تحصیلی

	آزمون لون		آزمون تی			
	f	مقدار احتمال	t	درج ه آزادی	مقدار احتمال Sig. (2-tailed)	اختلاف میانگین‌ها
فرض برابری واریانس	۳/۷۴۷	۰/۰۶۳	-۸/۳۴۶	۲۸	۰/۰۰۰	-۰/۸۸۷۱
فرض عدم برابری واریانس			-۸/۳۴۶	۳۸۶ ۲۴	۰/۰۰۰	-۰/۸۸۷۱

### آزمون فرضیه ۲

میزان سواد خوانداری فارسی دانش آموزان دو زبانه نسبت به دانش آموزان تک زبانه کمتر است. با توجه به میانگین به دست آمده در جدول ۳، می توان نتیجه گرفت که بین میانگین نمرات دانش آموزان دوزبانه با دانش آموزان دوزبانه در زمینه سواد خوانداری فارسی تفاوت وجود دارد. در نتایج حاصل از آزمون لون، احتمال به دست آمده  $(sig = 0/000)$ ، از مقدار  $0/05$  کمتر است لذا سطر دوم جدول ۴ برای تجزیه و تحلیل لحاظ می گردد. مقدار احتمال حاصل در ستون  $sig.(2-tailed)$  برابر صفر بوده و از مقدار احتمال  $0/05$  کمتر است، می توان نتیجه گرفت که تفاوت به دست آمده از نمرات میانگین معنی دار است. تفاوت نمرات حاصل بین دانش آموزان دوزبانه  $(Mean = 2/1726, SD = 0/5642)$  و دانش آموزان تک زبانه  $(Mean = 3/7946, SD = 0/2592)$  از نظر سواد خوانداری فارسی معنی دار است  $(t = -10/116, df = 28, p = 0)$ . مقدار تفاوت بین میانگین ها نیز بزرگ است  $(-1/6219 = \text{تفاوت میانگین ها})$ . نتیجه نهایی اینکه، سواد خوانداری فارسی دانش آموزان تک زبانه، از دانش آموزان دوزبانه بیشتر است.

جدول ۳: بررسی میانگین نمرات دانش آموزان در زمینه سواد خوانداری فارسی

متغیر	عامل مورد بررسی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف معیار
سواد خوانداری فارسی	دانش آموزان دوزبانه	۱۵	۲/۱۷۲۶	۰/۵۶۴۲	۰/۱۴۵۶
	دانش آموزان تک زبانه	۱۵	۳/۷۹۴۶	۰/۲۵۹۲	۰/۰۶۶۹

جدول ۴: آزمون لون در زمینه سواد خوانداری فارسی

اختلاف میانگین ها	مقدار احتمال Sig. (2-tailed)	درج آزادی	آزمون تی		f
			t	مقدار احتمال	
-۱/۶۲۱۹	۰/۰۰۰	۲۸	۱/۱۱۶	۰/۰۰۰	۵/۱۰۸
-۱/۶۲۱۹	۰/۰۰۰	۱۹	۱/۱۱۶	۰/۰۰۰	۵/۱۰۸

### آزمون فرضیه ۳

میزان درک شنیداری فارسی دانش آموزان دو زبانه نسبت به دانش آموزان تک زبانه کمتر است. با توجه به میانگین به دست آمده در جدول ۵ می توان نتیجه گرفت که بین میانگین نمرات دانش آموزان دوزبانه با دانش آموزان تک زبانه در زمینه درک شنیداری فارسی تفاوت وجود دارد. در نتایج حاصل از آزمون لون، احتمال به دست آمده  $(sig = 0/004)$ ، از مقدار  $0/05$  کمتر است لذا سطر دوم جدول ۶ برای تجزیه و تحلیل لحاظ می گردد. مقدار احتمال حاصل در ستون  $sig.(2-tailed)$  برابر صفر بوده و از مقدار احتمال  $0/05$  کمتر است، می توان نتیجه گرفت که تفاوت به دست آمده از نمرات میانگین معنی دار است. تفاوت نمرات حاصل بین دانش آموزان دوزبانه  $(Mean = 2/2444, SD = 0/7746)$  و دانش آموزان تک زبانه  $(Mean = 3/5037, SD = 0/4520)$  از نظر درک شنیداری فارسی معنی دار است  $(t = -5/438, df = 28, p = 0)$ . مقدار تفاوت بین میانگین ها نیز بزرگ است  $(-1/2592 = \text{تفاوت میانگین ها})$ . نتیجه نهایی اینکه، درک شنیداری فارسی دانش آموزان تک زبانه، از دانش آموزان دوزبانه بیشتر است.

جدول ۵: بررسی میانگین نمرات دانش آموزان در زمینه درک شنیداری فارسی

متغیر	عامل مورد بررسی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف معیار
درک شنیداری فارسی	دانش آموزان دوزبانه	۱۵	۲/۲۴۴۴	۰/۷۷۴۶	۰/۲۰۰۰
	دانش آموزان تک زبانه	۱۵	۳/۵۰۳۷	۰/۴۵۲۰	۰/۱۱۶۷

جدول ۶: آزمون لون در زمینه درک شنیداری فارسی

	آزمون لون		آزمون تی			
	f	مقدار احتمال	t	درجه آزادی	مقدار احتمال Sig. (2-tailed)	اختلاف میانگین‌ها
فرض برابری واریانس	۹/۷۹۴	۰/۰۰۴	۵/۴۳۸ -	۲۸	۰/۰۰۰	-۱/۲۵۹۲
فرض عدم برابری واریانس			۵/۴۳۸ -	۲۲/۵۴۵	۰/۰۰۰	-۱/۶۲۱۹

#### آزمون فرضیه ۴

میزان درستی به‌کارگیری ساخت‌واژه‌ها توسط دانش‌آموزان دو زبانه نسبت به دانش‌آموزان تک زبانه کمتر است. با توجه به میانگین به‌دست آمده در جدول ۷، می‌توان نتیجه گرفت که بین میانگین نمرات دانش‌آموزان دوزبانه با دانش‌آموزان تک زبانه از نظر میزان درستی به‌کارگیری ساخت‌واژه‌ها تفاوت وجود دارد. در نتایج حاصل از آزمون لون، احتمال به‌دست آمده ( $\text{sig} = ۰/۸۲۶$ )، از مقدار  $۰/۰۵$  بیشتر است لذا سطر اول جدول ۸ برای تجزیه و تحلیل لحاظ می‌گردد. مقدار احتمال حاصل در ستون **sig.(2-tailed)** برابر صفر بوده و از مقدار احتمال  $۰/۰۵$  کمتر است، می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت به‌دست آمده از نمرات میانگین معنی‌دار است. تفاوت نمرات حاصل بین دانش‌آموزان دوزبانه ( $\text{SD} = ۰/۴۹۰۱$ ،  $\text{Mean} = ۱/۹۸۰۰$ ) و دانش‌آموزان یک زبانه ( $\text{SD} = ۰/۳۸۸۵$ ،  $\text{Mean} = ۳/۹۳۳۳$ ) از نظر میزان درستی به‌کارگیری ساخت‌واژه‌ها معنی‌دار است ( $t = -۱۲/۰۹۵$ ،  $df = ۲۸$  و  $p = ۰$ ). مقدار تفاوت بین میانگین‌ها نیز بزرگ است ( $-۱/۹۵۳۳ =$  تفاوت میانگین‌ها). نتیجه نهایی اینکه، میزان درستی به‌کارگیری ساخت‌واژه‌ها دانش‌آموزان تک‌زبانه، از دانش‌آموزان دوزبانه بیشتر است.

جدول ۷: بررسی میانگین نمرات دانش‌آموزان از نظر میزان درستی به‌کارگیری ساخت‌واژه‌ها

متغیر	عامل مورد بررسی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف معیار
میزان درستی به-	دانش‌آموزان دوزبانه	۱۵	۱/۹۸۰۰	۰/۴۹۰۱	۰/۱۲۶۵
کارگیری ساخت-واژه‌ها	دانش‌آموزان یک زبانه	۱۵	۳/۹۳۳۳	۰/۳۸۸۵	۰/۱۰۰۳

جدول ۸: آزمون لون از نظر میزان درستی به‌کارگیری ساخت‌واژه‌ها

	آزمون لون		آزمون تی			
	f	مقدار احتمال	t	درجه آزادی	مقدار احتمال Sig. (2-tailed)	اختلاف میانگین‌ها
فرض برابری واریانس	۱/۰۴۹	۰/۸۲۶	۱/۰۹۵ -۲	۲۸	۰/۰۰۰	-۱/۹۵۳۳
فرض عدم برابری واریانس			۱/۰۹۵ -۲	۲۶	۰/۰۰۰	-۱/۹۵۳۳

#### آزمون فرضیه ۵

میزان درستی نحو در گفتار دانش‌آموزان دو زبانه نسبت به دانش‌آموزان تک زبانه کمتر است. با توجه به میانگین به‌دست آمده در جدول ۹ می‌توان نتیجه گرفت که بین میانگین نمرات دانش‌آموزان دوزبانه با دانش‌آموزان تک زبانه از نظر میزان درستی نحو در گفتار تفاوت وجود دارد. در نتایج حاصل از آزمون لون، احتمال به‌دست آمده ( $\text{sig} = ۰/۲۹۲$ )، از مقدار  $۰/۰۵$  بیشتر است لذا سطر اول جدول ۱۰ برای تجزیه و تحلیل لحاظ می‌گردد. مقدار احتمال حاصل در ستون **sig.(2-tailed)** برابر صفر بوده و از مقدار احتمال  $۰/۰۵$  کمتر است، می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت به‌دست آمده از نمرات میانگین معنی‌دار است. تفاوت نمرات حاصل بین دانش‌آموزان دوزبانه ( $\text{SD} = ۰/۶۷۵۵$ ،  $\text{Mean} = ۲/۲۹۳۳$ ) و دانش‌آموزان یک زبانه ( $\text{SD} = ۰/۵۶۸۰$ ،  $\text{Mean} = ۳/۹۴۶۷$ ) از نظر میزان درستی نحو در گفتار معنی‌دار است ( $t = -۷/۲۵۵$ ).

df = ۲۸ و p = ۰). مقدار تفاوت بین میانگین‌ها نیز بزرگ است (۱/۶۵۳۳ = تفاوت میانگین‌ها). نتیجه نهایی اینکه، میزان درستی نحو در گفتار دانش‌آموزان تک‌زبانه، از دانش‌آموزان دوزبانه بیشتر است.

جدول ۹ بررسی میانگین نمرات دانش‌آموزان از نظر میزان درستی نحو در گفتار

متغیر	عامل مورد بررسی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف معیار
میزان درستی نحو در گفتار	دانش‌آموزان دوزبانه	۱۵	۲/۲۹۳۳	۰/۶۷۵۵	۰/۱۷۴۴
	دانش‌آموزان یک‌زبانه	۱۵	۳/۹۴۶۷	۰/۵۶۸۰	۰/۱۴۶۶

جدول ۱۰ آزمون لون از نظر میزان درستی نحو در گفتار

	آزمون لون		آزمون تی			
	f	مقدار احتمال	t	درجه آزادی	مقدار احتمال Sig. (2-tailed)	اختلاف میانگین‌ها
فرض برابری واریانس	۱/۵۴	۰/۲۹۲	۷/۲۵۵	۲۸	۰/۰۰۰	-۱/۶۵۳۳
فرض عدم برابری واریانس			۷/۲۵۵	۱۹۹	۰/۰۰۰	-۱/۶۵۳۳

### بحث و نتیجه‌گیری

عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان یک‌زبانه بیشتر از دانش‌آموزان دو‌زبانه است. که نتایج فرضیه، همسو با تحقیقات حسن پاشا شریفی و زهرا دانش پژوه (۱۳۸۲) نشان داده است که دانش‌آموزان دوزبانه در مقایسه با دانش‌آموزان فارسی‌زبان در کل آزمون و در حیطه‌های گوناگون آن دارای عملکرد تحصیلی پایین‌تری هستند. متوسط عملکرد دانش‌آموزان دختر در حیطه سوادآموزی از متوسط پایین‌تر است هستند. متوسط عملکرد دانش‌آموزان دختر در حیطه سوادآموزی از متوسط پایین‌تر است. همچنین نتایج خنجرخانی، نصر اصفهانی، عموزاده (۱۳۸۸) حاکی از آن است که دانش‌آموزان یک‌زبانه نسبت به دانش‌آموزان دو‌زبانه در خواندن و نوشتن و علوم پیشرفته‌تر هستند. و همین‌طور رحیم‌آبادی (۱۳۸۳) نیز در مقایسه عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان یک‌زبانه و دوزبانه ابتدایی نشان داده که عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان یک‌زبانه در درس‌های ریاضی و علوم به عنوان عامل مفهومی و درس‌های املا و انشاء و خواندن فارسی به عنوان عامل کلامی و در کل به‌طور معناداری بالاتر از عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دوزبانه بوده است. همچنین یافته‌های این پژوهش آشکار ساخته است که با گذشت سال‌های تحصیلی در دوره‌ی ابتدایی مقدار تفاوت عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان یک‌زبانه و دوزبانه به‌طور معنی‌دار افزایش یافته است. اما در بررسی تعاملی جنسیت و وضعیت زبانی در هیچ‌یک از متغیرهای مورد مطالعه تاثیر معنی‌داری مشاهده نشده است. در تحقیقات بدست آمده، مرتضی نژاد (۱۳۸۲)، دیناروند (۱۳۷۳) و خوش‌رو (۱۳۷۴) حاکی از این است که میانگین نمرات دانش‌آموزان دوزبانه در دروس املاء، فارسی و علوم کمتر از دانش‌آموزان یک‌زبانه است که احتمالاً به علت لزوم استفاده بیشتر از مؤلفه‌های زبان دوم در این دروس ناشی می‌شود. چرا که یافته همین تحقیقات بیانگر این است که نمره درس ریاضی دانش‌آموز دوزبانه و سه‌زبانه با یک‌زبانه‌ها تفاوت معنی‌داری ندارد. استفاده از زبان مادری در آموزش کودکان سبب بالا رفتن کمیت و کیفیت ارتباطات درون مدرسه‌ای و درون کلاسی نیز می‌شود و دانش‌آموزان را از ابزار اصلی تفکر یعنی ارتباط برخوردار می‌سازد. البته با افزایش پایه‌های تحصیلی می‌توان استفاده از زبان مادری را به تدریج کاهش داده و زبان رسمی و آموزشی را جایگزین آن نمود (براهنی، ۱۳۷۱).

بیالیستوک (به نقل از ناعمی، ۱۳۷۹) در همین راستا بیان می‌کند که مهارت در یک زبان خارجی می‌تواند به کودکان کمک کند تا مهارت در خواندن را سریعتر کسب کنند. در هنگام یادگیری خواندن بسیاری از کودکان پیش‌دستانی خیلی پیشتر از اینکه قادر به خواندن باشند، حروف الفبا را تشخیص می‌دهند. دانستن یک زبان دیگر به کودک در فهم سریعتر زبانهای نوشتاری کمک می‌کند و در خواندن وی تسهیل بوجود می‌آورد. زیرا دوزبانگی به آنها کمک می‌کند که بتوانند به روابط نمادین بین حروف و اصوات بدون کمک شی به صورت دیداری پی ببرند. برعکس تک‌زبان‌ها که بدون کمک تصاویر قادر به خواندن نیستند.



پیل و لیمبرت (۱۹۶۲) در ایالت متحده نتایج مطالعات خود را منتشر کردند که طی آن کودکان دو زبانه و یک زبانه با اندازه‌های متفاوت بهره هوشی و موفقیت تحصیلی مقایسه شده بودند. آنها در زمینه روانشناسی نتایج تعجب انگیزی یافته بودند: در یک جامعه افرادی که زبان اکثریت را صحبت می‌کنند از کسانی که به زبان اقلیت تکلم می‌کنند از نظر زبانی و ذهنی کارایی بهتری دارند. آنها مدعی بودند که هوش کودکان دوزبانه پایین تر است. حتی در بسیاری موارد عملکرد کودکان دوزبانه پایین تر از حد متوسط کارایی گروه مورد مقایسه کودکان تک زبانه بود. این نتایج بویژه در شمال امریکا در تضاد آشکار با باوری بود که بسیاری از روانشناسان آن را چیزی مبتذل تلقی می‌کردند.

اسپول (۱۹۶۴) بر اساس پژوهش خود به این نتیجه رسید که دو زبانه‌ها از نظر پیشرفت تحصیلی در مدرسه از افراد عادی جلوتر بوده‌اند. ویلیامز نیز در استرالیا در مورد دانش آموزان غیر انگلیسی و انگلیسی زبان به این نتیجه رسید که پیشرفت دانش آموزان دوزبانه به مراتب از دانش آموزان عادی در اتمام دوران تحصیلی دبیرستان بیشتر بوده است. همچنین در تحقیقات انجام شده ویسی تبار (۱۳۸۴) که تا چه میزان نادیده گرفتن زبان مادری استفاده کردن از زبان دیگر (دوزبانگی) در امر آموزش و پرورش، ترقی و سلامت روانی افراد را به خطر می‌اندازد. ایشان بیان می‌دارد که نادیده گرفتن زبان مادری در مدارس مناطق دو زبانه به این امر منجر شده که رشد تفکر انتزاعی کودک به دلیل حساس بودن سن او به شدت به تاخیر می‌افتد. احساس خود کم بینی و خود سانسوری به دلیل بیگانه بودن با زبانی غیر زبان مادری، کاهش درک مطلب، کاهش عملکرد معلم و دانش آموز، ناتوانی فرد در بیان اندیشه، خواسته‌ها و نیازهایش و از همه مهمتر وارد آمدن آسیب‌های جدی بر ساختار و جامعیت زبان مادری می‌باشد و تامپسون و جانسون (۱۹۹۰ به نقل از کشاورز، ۱۳۸۵) معتقدند عملکرد ضعیف تحصیلی و مشکلات رفتاری اغلب با هم رخ می‌دهند.

نتایج تحقیق نشان داد که مشکلات خواندن و نوشتن در کودکان دو زبانه بیشتر از تک زبانه‌ها است. نتایج آزمون با تحلیل مصر آبادی، هاشمی، حاتمی و ربوی، (۱۳۹۴) همخوانی دارد. بر اساس نظریه زبان و بیگوتسکی که بر تعامل بین زبان و تفکر تأکید دارد، می‌توان چنین استنباط کرد که کودکی که دو زبانه است تا پیش از ورود به مدرسه، محیط پیرامون و هر آنچه را با قوه تفکرش در ارتباط است با نمادهای انتزاعی، شنیداری و دیداری زبان مادری خود درک کرده و می‌شناسد و با آنها ارتباط برقرار می‌کند. او با زبان مادری خود یاد می‌گیرد که چگونه به دنیا بنگرد و چگونه درباره امور عینی و انتزاعی فکر کند و نیز چگونه در رویارویی با مسائل مختلف راه‌حل بیابد. کودکی که تا ۶ سالگی مفهوم آب را با یک نماد شنیداری و حتی دیداری خاص زبان اول خود درک کرده، از این پس از این واژه باید یک درک شنیداری و دیداری دیگری داشته باشد. با ورود کودک دو زبانه به مدرسه او با زبانی غیر از زبان مادری خود مواجه شده و در نتیجه تمام زمان یادگیری او صرف آشنا شدن با دنیای جدید عینی و انتزاعی می‌شود که زبان دوم برای او به ارمغان آورده است. در حالی که همتای تک زبانه او به این آشنایی نیازی ندارد و این زمان را صرف خواندن و نوشتن می‌کنند که مدرسه از او انتظار دارد و همین امر باعث عقب افتادن کودک دو زبانه در دوران ابتدایی از همتای تک زبانه خود می‌شود.

دانش آموزان دو زبانه معمولاً در پایه‌ی اول سال تحصیلی در درک درست گفتار به زبان فارسی با مشکلاتی مواجه‌اند به طوری که محتوای آموزشی را به درستی درک نمی‌کنند، در برابر دستورالعمل‌ها بازخورد مناسبی از خود نشان نمی‌دهند. معنی داستان یا شعری را که برایشان خوانده می‌شود را به خوبی درک نمی‌کنند. در برابر سؤال‌ها، پاسخ‌های مورد انتظار نمی‌دهند. براهن (۱۳۷۱) دشواری در زمینه‌ی درک دقیق معنای پیام‌های شفاهی و کتبی را موجب سوءتفاهم در مرادفات اجتماعی می‌داند که این امر از پیامدهای منفی شناختی کودکان است در که در وضعیت نامطلوب دو زبانی قرار دارند. یعنی هم عقیده دارد که بیگانگان زبان آموزشی برای دانش آموزان دو زبانه باعث دشواری‌های ارتباطی، شناختی و عاطفی است که خود کم حرفی و خود سانسوری را به دنبال دارد.

در میان ساخت‌واژه‌ها، اسم‌ها در گفتار کودکان با صحت بیشتری به کار می‌رود. ناصحیح بودن اسم‌ها بیشتر به دلیل تلفظ بد آنهاست. کودکان دو زبانه کرد زبان در به کاربردن صحیح فعل‌ها مشکل دارند. افعال گفتاری آنها از نظر زمان، وجه و شخص نامناسب است و بیشتر موارد با فاعل مطابقت ندارد. در روند تکلم به زبان مادری، اسم‌ها از جمله ساخت‌واژه‌هایی است که در گفتار اولیه‌ی کودکان به چشم می‌خورد. (وزیرنیا، ۱۳۷۹). اسم‌ها مدلول‌های عینی دارند، در نتیجه درک و تولید آنها سهل‌تر است. برعکس کودکان تا سه سالگی هنوز ممکن است فعل‌ها را به خوبی صرف نکنند (شعاری نژاد، ۱۳۶۷). فعل

هسته‌ی اصلی معنایی و دستوری جمله است و از عناصر مهم صرفی زبان است (زندى، ۱۳۷۸)؛ زیرا بسیاری از مشخصه‌های جمله از قبیل تشخیص، زمان، وجه و عدد در فعل بروز می‌کند. به نظر لتیل وود یادگیری زبان دوم نیز همان روند زبان‌اول را دارد. آموزش گیرندگان زبان دوم، دانش و عادت‌های زبانی خود را از زبان اول به زبان دوم انتقال می‌دهند. در نتیجه همان‌گونه که صحت به کارگیری فعل در میان کودکانی که به فراگیری زبان مادری مشغول هستند، دیروز بروز می‌کند، در آموزش زبان دوم نیز بدین منوال است (Little Wood, 1984). در مقایسه‌ی افعال زبان فارسی با زبان کردی، در زبان کردی افعال چه از نظر تعداد صیغه‌ها و ساده و مرکب بودن و چه از لحاظ وجه و زمان با زبان فارسی تفاوت چشمگیری دارد.

در گفتار کودکان ساخت‌واژه‌های ساده‌تر، عام‌تر و ملموس‌تری به کار می‌رود. آن‌ها از ساخت‌های پیچیده و تخصصی‌تر به ندرت استفاده می‌کنند. به طوری که در گفتار آن‌ها اسم‌های ساده، ذات، عام و خاص بیشتر دیده می‌شود. اسم‌های مرکب و معنی در گفتار آن‌ها انگشت شمار است. میزان استفاده از صفت‌ها و قیدها در گفتارشان بسیار کمتر از ساخت‌واژه‌های دیگر است. از قیدهای آشنا و پر کاربرد بیشتر استفاده می‌کنند. اما قیدهای حالت، کیفیت و مقدار به ندرت در گفتارشان به چشم می‌خورد. در استفاده از قید زمان با مشکل مواجه‌اند. استفاده از صفت‌های عالی و تفضیلی نیز در گفته‌ها آن‌ها کم است و بسیاری اوقات از به کارگیری صفت و موصوف با هم عاجزند.

روابط هم‌نشینی معمولاً در جمله‌های دانش آموزان پایه اول و وضعیت مطلوبی ندارد. دانش آموزان همچنین در پاسخ‌گویی به سؤال‌ها و وضعیت نابهنجاری دارند و باز خوردهایی از قبیل بهت زدگی در برابر سؤال، سکوت کردن، پاسخ‌های بی ربط دادن یا به پاسخ «بلی» اکتفا کردن، تقلید و تکرار پاسخ دیگران، تأخیر زمانی زیاد، کم توانی در پاسخ‌گویی به جمله‌های سؤالی بلند. پاسخ‌های دانش آموزان بیش‌تر یک یا دو کلمه‌ای است. جمله‌های آن‌ها بیشتر ساده و تلگرافی و فاقد حروف اضافه و ربط است.

هنگام پاسخ‌گویی به سؤال‌ها، کمتر از جمله‌های پیاپی استفاده می‌کنند. جمله‌های متوالی آن‌ها از نظر نحوی و معنایی اشکال دارد و معمولاً فاقد هماهنگی دستوری است به طوری که این جمله‌ها از یک زمان و یک وجه هماهنگ تبعیت نمی‌کند. این مشکل در گفتارهای تک‌جمله‌ای آن‌ها نیز مشهود است. دلیل اصلی مشکلات نحوی گفتار کودکان را می‌توان به کمی دانش و توانش زبان فارسی در ذهن آن‌ها نسبت داد زیرا کودکان در مراحل اولیه‌ی زبان آموزی هستند و هنوز زبان دوم (فارسی) در ذهنشان درونی نشده است.

#### پیشنهادها

در تحقیق حاضر پیشنهادها به دو منظور ارائه می‌گردد:

#### پیشنهادها در راستای نتایج تحقیق چهارمین همایش ملی آموزش زبان فارسی - ۱۳۹۹

باتوجه به یافته‌های تحقیق و اولویت بندی بدست آمده از عوامل بررسی تعیین میزان سواد خوانداری فارسی دانش آموزان دوزبانه و ارائه راهکار مناسب برای بهبود این توانایی در دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان مهاباد پیشنهادت زیرارائه می‌گردد:

- به مسئولان وزارت آموزش و پرورش پیشنهاد می‌شود به نیازهای آموزشی زبان آموزان غیر فارسی زبان توجه ویژه مبذول دارند و معلمانی را تربیت کنند که خود مسلط به زبان فارسی باشند، زیرا عدد زیادی از معلمان بومی در کاربرد فارسی مشکل دارند.

- ضروری است وزارت آموزش و پرورش طرحی اجرا کند که به موجب آن در مناطق غیر فارسی زبان کودکان پیش‌دستانی در زمینه مهارت گفتاری آموزش داده شوند تا هنگام ورود به مدرسه توانایی لازم گفتاری را کسب کنند و همراه با دانش آموزان فارسی زبان از آموزش یکسان و برابر برخوردار شوند

- مشخص کردن حوزه‌های مشکل‌زا در سطوح مختلف آموزشی برای زبان آموزان و ارائه راهکارهایی برای رفع این حوزه‌های مشکل ساز به وسیله متخصصان و افراد درگیر در امر آموزش زبان.

- به دانشجویان و محققان علاقه‌مند به مباحث زبان و زبان‌شناسی پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های خود به بررسی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی از جمله کردی بپردازند.

### پیشنهادها برای محققان آتی

پیشنهاد می‌گردد تا در تحقیقات آتی بررسی تعیین میزان سواد خوانداری فارسی دانش آموزان دوزبانه و تک زبانه در دو شهر و در بین دانش آموزان تک زبانه و دو زبانه صورت پذیرد به این معنا که جامعه آماری تحقیق به صورت مقایسه ای بین دو دسته از دانش آموزان، دانش آموزان تک زبانه در یک شهر و دو زبانه در شهری دیگر صورت پذیرد.

### منابع

- اتکنیسون ر.، و همکاران، زمینه روانشناسی هیلگارد، ترجمه براهنی، بیرشک و همکاران تهران: انتشارات رشد. ۱۳۸۱.
- اسفند آبادی، ح.، سیف، ع.، مطالعه سبک های یادگیری دانش آموزان یک زبانه و دوزبانه و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی و جنسیت، موسسه پژوهشی برنامه ریزی درسی و نوآوری نشریه شماره ۲۱. ۱۳۸۱.
- اصل فتاحی، ب.، بررسی و مقایسه‌ی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر یک زبانه و دو زبانه (شهرهای تهران و تبریز) مقطه ابتدایی در دروس فارسی و املاء ۷۳-۱۳۷۲، پایان نامه چاپ نشده دانشگاه علامه طباطبایی تهران. ۱۳۷۳.
- براهنی، م سخنرانی، اولین سمینار برای سمینار ابعاد دوزبانگی، وزارت آموزش و پرورش. ۱۳۷۰.
- بدری، ارزیابی اثربخشی دروره یکماه آمادگی تابستان در مناطق دوزبانه آذربایجان شرقی. شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش آذربایجان شرقی. ۱۳۸۰.
- پاشا شریفی، ح. تدوین و هنجاریابی آزمون های پیشرفت تحصیلی زبان فارسی برای دوره ابتدایی و راهنمایی تحصیلی، پژوهشکده تعلیم و تربیت. گروه پژوهش اندازه گیری و ارزشیابی آموزشی. شماره ۳ و ۴. ۱۳۸۰.
- خوش رو، بررسی رابطه دو زبانه بودن در پیشرفت تحصیلی و هوش دانش آموزان بسر مقطع ابتدایی. پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده؛ دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علوم تربیتی. ۱۳۷۵.
- دلاور، ع.، احتمالات و آمار کاربردی در روانشناسی و علوم تربیتی تهران: انتشارات رشد چاپ نهم. ۱۳۸۴.
- دیناروند، ج.، بررسی میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوزبانه با دانش آموزان عادی شهر شیراز پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه تربیت مدرس. ۱۳۷۳.
- رحیم آبادی، ر. مقایسه عملکرد تحصیلی دانش آموزان یک زبانه و دو زبانه در دوره ابتدایی. پایان نامه ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن. ۱۳۸۳.
- زندی، ب. روش تدریس زبان فارسی (در دوره دبستان)، تهران: انتشارات سمت چاپ دوم، ۱۳۷۹.
- سلیمان زاده، ع.، بررسی رابطه بین مهارت های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان متوسط شهرستان ملکان در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده دانشگاه آزاد اسلامی تبریز. ۱۳۸۸.
- سنگ بری، ب.، بررسی نقش آموزش یک ماهه پیش دبستانی در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه اول ابتدایی مناطق دوزبانه. سیستان و بلوچستان: مرکز تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش. ۱۳۷۳.
- سیف، ع.، روانشناسی پرورشی. روانشناسی یادگیری و آموزش (ویراست نو). تهران: انتشارات رشد. ۱۳۸۰.
- شعاری نژاد، ع.، روانشناسی رشد (۱) تهران: انتشارات پیام نور. ۱۳۷۷.
- شفیع، ع.، بحث در باره روش تدریس زبان فارسی در دبستان های آذربایجان غربی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی. ۱۳۵۵.
- شهم، سیما. تحلیل عوامل مقیاس روش درجه بندی مهارت های اجتماعی برای کودکان پیش دبستانی. اهواز: مجله علوم تربیتی و روانشناسی، ۱۳۸۳، شماره ۳ و ۴ سال یازدهم.
- عبدی، ن.، نگاهی به دوزبانگی. نشریه: رشد آموزش زبان. ۱۳۸۳. سال هجدهم شماره ۷۰.
- عسگری نیا، م.، بررسی تأثیر دوره آمادگی بر فهم خواندن دانش آموزان کلاس اول ابتدایی دوزبانه شهرستان ایوان. پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران. ۱۳۷۷.
- علاقه بند، ع.، جامعه شناسی آموزش و پرورش تهران: نشر روان. ۱۳۸۷.
- عراقی، ی.، مقایسه کیفیت رابطه ولی - فرزندی در دو گروه از دانش آموزان پرخاشگر و غیر پرخاشگر پایان نامه چاپ نشده کارشناسی ارشد دانشگاه علوم بهزیستی تهران. ۱۳۸۴.
- خنجرخانی، ذ.، عارفی، م.، عموزاده تأثیر زبان مادری، جنسیت و علایق فردی دانش آموزان پایه چهارم شهر ارومیه در سواد خواندن فارسی ۸۸.

- مام عبدالله، ا.، مقایسه مهارت های نوشتاری دانش آموزان دو زبانه (کرد و ترک) پایه های چهارم و پنجم دبستان شهر های بوکان و شاهین دژ. پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. ۱۳۸۸.
- محمودی، ن. مقایسه قدرت خوانایی دانش آموزان یک زبانه و دوزبانه در درس فارسی پنجم ابتدایی و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده دانشگاه تبریز. ۱۳۸۸.
- محی الدین، م.، ترک بودن والدین و تاثیر آن در یادگیری خواندن و نوشتن. پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده علوم تربیتی، دانشگاه تهران. ۱۳۵۳.
- مرتضی نژاد، ح.، مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر ابتدایی یک زبانه، دو زبانه و سه زبانه در شهرستان ارومیه به منظور توصیه برای برنامه ریزی مناسب. پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تبریز. ۱۳۸۲.
- مهرجو، و هادیان. پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دو زبانه و یک زبانه ی پسر سال سوم ابتدایی در شهرستان اهواز پایان نامه ی کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه تربیت معلم تهران. ۱۳۷۴.
- نادری، ع.، سیف نراتی، م.، روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: انتشارات بدر. ۱۳۷۲.
- نجاریان، ب.، و مکنونی، ب.، مروری بر پیامدهای دوزبانگی، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۵۲. ۱۳۷۶.
- ناعمی، م روانشناسی آموزش خواندن، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم. ۱۳۷۹.
- یمنی دوزی سرخابی، م.، دشواریهای موقعیت ارتباطی دانش آموزان غیر فارسی زبان در نظام آموزش و پرورش، مقاله ارائه شده در سمینار بررسی ابعاد دوزبانگی تهران: انتشارات سمت. ۱۳۷۱.

- Els, Theo Van et al. (1984) Applied Linguistics and the Learning and Teaching of Foreign Languages. Edward Arnold
- Klein, Wolfgang. (1986) Second Language Acquisition. Cambridge University Press.
- Oxford, R. L. (1990). Language learning strategies: What every teacher should know.
- Spolsky, B. (1989a). Conditions for Second Language Learning. Oup.
- Frey, K. S.. (2000). Second step preventing aggression by promoting social competence. Journal of emotional and Behavioral disorder, 102, 187-203.
- Fishman, j, (1971) . Advance In The Sociology of Language. Hange: Mouton.
- Lambert, W., & Peal, E. (1962) . " The Relation of Bilingualism to Intelligence " . In Psychological Monographs. No , 73, pp .1-23.
- Vygostky, I.s.(1962). Thought and language. Combridge, Mass: M. I.T . press
- Romaine, s. (1992) . Bilingualism. Oxford: Blackwell.
- Diaz, R. M.& Klingler, C. (1991). Towards an explanatory model of the interaction between bilingualism and cognitive development. In E. Bialystok (ed). Language Processing in Bilingual Children. Cambridge University Press.